

گفتمان امنیتی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران (چیستی و چرایی)

مصطفی ساوه درودی¹، حجت اله ساوه درودی²

تاریخ پذیرش: 95/05/02

از صفحه 97 تا 126

تاریخ دریافت: 94/10/19

چکیده

مقاله حاضر با هدف تبیین گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا در مقام پاسخ به این سؤال که «امنیت در گفتمان امنیتی حاکم بر ج.ا.ا بر چه ارکانی استوار است؟» معتقد است نقطه کانونی گفتمان امنیتی نظام جمهوری اسلامی بر محور اسلام سیاسی فقهاتی و بر اساس اندیشه‌های امام خمینی (ره) قرار دارد. روش مقاله توصیفی - تحلیلی و نوع آن کاربردی - بنیانی است. ابزار گردآوری اطلاعات به روش سندکاوی و با بهره‌گیری از اطلاعات کتابخانه‌ای مبتنی بر رهیافت گفتمان تهیه شده است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که دال مرکزی گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه قرار دارد؛ این اندیشه نشانه‌هایی مانند آزادی، عدالت، استقلال، اسلامیت، جمهوریت را در یک زنجیره هم ارزی به‌عنوان لایه‌های استحکام بخش نظام ج.ا.ا قرار داده و گفتمان امنیتی ایران اسلامی را شکل داده است.

کلید واژه‌ها: اسلام سیاسی، امنیت، تهدید، فرصت، گفتمان، ولایت فقیه.

1 - دکترای علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه
2 - کارشناسی ارشد پدافند غیرعامل (گرایش امنیت ملی)

امنیت، خواست و دغدغه همیشگی جامعه انسانی است و انسان از دیرباز در پی دست‌یابی به آن، بخش اعظم تلاش خود را برای رسیدن به امنیت به کار گرفت. امنیت به معنای ساده‌ترین مفهوم یعنی رسیدن به آرامش از تلاش اولیه برای تأمین خوراک و پوشاک تا در معنای متفاوت و پیچیده آن دفاع از سرزمین و جامعه بزرگ جهانی برای رسیدن به کمال انسانی فرازوفروید پر نشیبی را در دوران حیات انسان داشته است. در همه این دوران تشکیل واحدی برای ایجاد امنیت، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان ذهن او را به خود مشغول کرد. تشکیل دولت و ایجاد ساختاری عریض و طویل برای اداره جامعه انسانی در همین راستا به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین اقدام‌های بشر بخش مهمی از نیاز او را تأمین کرد؛ این نیاز در طول زمان و به دلیل زیاده‌خواهی انسان رنگ و بوی دیگری به خود گرفت و واژه‌ای به نام ناامنی در مقابل امنیت سر باز کرد و دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر در ایجاد ناامنی در عرصه بین‌الملل به مقابله با یکدیگر پرداخته و بدین ترتیب امنیت در پرتو ناامنی برای دیگران معنای جدیدی یافت.

درحالی‌که برخی از کشورها برای ایجاد و حفظ امنیت، راه انزواطلبی را در پیش گرفته‌اند، برخی دیگر راه توسعه‌طلبی را چاره کار می‌دانند. نقطه کانونی انزواطلبی بیشتر تمرکز بر مسائل داخلی با تأکید بر مواردی مانند تأمین رفاه و امنیت عموم مردم و جلب رضایت آن‌ها، کسب مشروعیت، به‌کارگیری ایدئولوژی و مکتب اعتقادی، ایجاد نهادهای ملی بدون نگاه به مسائل خارجی است. در توسعه‌طلبی تأکید بر موضوع‌هایی مانند استفاده از سامانه بازدارندگی، ایجاد نهادهای فراملی و همگرایی، خلع سلاح و نظارت تسلیحات، بهره‌گیری از دیپلماسی و اتخاذ راهبردهای مطلوب در سیاست خارجی مدنظر قرار دارد. تناقض حاصل از این دو نگاه باعث شد تا مفهوم امنیت در معنای واقعی آن‌که رسیدن به صلح و آرامش انسانی است با ابهام‌های گسترده‌ای همراه شده و شاخص‌سازی برای تأمین امنیت با مشکل جدی همراه شود.

بر این اساس تأمین امنیت در غرب مبتنی بر ارزش‌ها و چارچوب تعریف‌شده در فرهنگ غربی دنبال می‌شود. در این نگاه کنش‌گفتاری و رفتاری با محوریت نظام سلطه با تأکید بر جدایی دین از سیاست، منظومه معنایی متفاوتی را در برابر غیر خود ایجاد کرد که بر همین اساس امنیت با نگاهی سخت‌افزاری و بدون توجه به ارزش‌های انسانی، رنگی توسعه‌طلبانه به خود گرفت. در صورتی که این مهم در اندیشه‌های دینی به واسطه نوع نگرش دین به سیاست در چارچوب ارزش‌های دینی تعریف می‌شود که مصداق بارز آن در حکومت اسلامی است. در این نظام، دولت به‌عنوان مرجع امنیت، موظف به تأمین رفاه و امنیت عمومی توده در چارچوب ارزش‌های انسانی و اخلاقی است و خروج از آن به‌عنوان امری مذموم پذیرفتنی نیست. با این وجود، اینکه چرا این مهم در بیشتر کشورهای اسلامی بر اساس موازین دینی و چارچوب ارزشی آن دنبال نمی‌شود، ریشه در ساختار حکومتی و حاکمیت استبدادی، حکام مرتجع و وابسته دارد. این شرایط باعث شد تا امنیت کشور در موضوع‌هایی مانند وابستگی به نظام سلطه و برخوردهای استبدادی با توده تعریف شود. در چنین حکومت‌هایی غایت نظم، امنیت حکومت و حفظ هیئت حاکمه بدون توجه به خواست توده است و منبع اعمال قدرت فقط حاکمیت بوده و حق اعتراض وجود ندارد.

به‌هر حال امنیت بدون خواست توده و برقراری رابطه اطمینان‌بخش بین توده و حاکمیت امکان‌پذیر نیست. دولت‌هایی که از پشتوانه حمایت مردمی برخوردار باشند، با داشتن رهبرانی کارآمد و مورد پذیرش ملت، امنیت جامعه و در نهایت کشور را تأمین خواهند کرد. به نظر می‌رسد دسترسی به این مهم با توجه به شرایط کشور، نوع حاکمیت و ایدئولوژی حاکم می‌تواند بازتعریفی از مفهوم امنیت را ارائه داده و کنش‌گفتاری و رفتاری حاکمیت را به‌عنوان مهم‌ترین بازیگر ساماندهی کند؛ بر این اساس، حکومت اسلامی با نگاه بر اسلام سیاسی فقاهتی که در کانون آن ولایت فقیه قرار دارد، می‌تواند به‌عنوان بارزترین نوع حاکمیت در ایجاد امنیت مورد توجه قرار گیرد که در این مقاله به حاکمیت ج.ا.ا در نگاه به امنیت پرداخته می‌شود.

بیان مسئله

بر اساس نظریه «مازلو» امنیت بعد از تأمین نیاز جسمانی، به عنوان دومین نیاز انسان در سلسله مراتب نیازها از جایگاهی شایسته برخوردار است و تا این نیاز برآورده نشود، انسان از حرکت به سوی سایر نیازها خودداری خواهد کرد (رضاییان، 1393: 235). به همین دلیل به نظر می‌رسد مسئله امنیت، چیستی و چگونگی آن برای انسان امری حیاتی بوده و تشکیل دولت به عنوان مهم‌ترین عامل ایجاد امنیت مورد توجه اندیشمندان امنیتی قرار گرفته است.

هنوز اجماع کامل و جامعی در مورد مفهوم امنیت و شاخص‌های آن به دست نیامده است. یکی از دلایلی که دسترسی به این اجماع را با مشکل مواجه ساخته ناشی از ذهنیت افراد و برداشت‌های آن‌ها در مورد موضوع‌های خاص و متناسب با دوران و شرایط زمانی خاص حاکم بر کشور و حتی محیط فراملی است. در این شرایط رواج نظریه‌های امنیتی برای ایجاد امنیت با دو نگاه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری منجر به بروز تنش‌هایی شده که پیامد آن ایجاد بحران‌های سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی است (اسپریگنز، 1375: 34). به هر حال در خصوص نظریه‌هایی که تحت این شرایط به وجود می‌آید نمی‌توان به صورت مطلق آن را ردّ یا تأیید کرد؛ از این رو مفهوم تهدید امنیتی برای کشورهای جهان سومی با مفهوم تهدید برای کشورهای در حال توسعه تفاوت داشته و با بررسی وضعیت امنیتی کشور قابل ارزیابی است. ممکن است فرد، سازمان یا حتی کشوری یک موضوع را بر اساس برداشت خود یک مفهوم امنیتی تلقی کند، اما طرف دیگر چنین برداشتی نداشته باشد. به همین دلیل برداشت‌ها بسیار مهم است و می‌تواند منشأ تفسیر و تحول‌های گوناگونی در عرصه اداره امور کشور یا سازمان شود. برداشت‌ها را نباید آن قدر سطحی قلمداد کرد که یک موضوع امنیتی را غیرامنیتی دانست و نه آن قدر عمیق دنبال کرد که هر موضوعی غیرامنیتی را امنیتی تلقی کرد (بوزان، 1378: 25). هنر افراد، سازمان یا کشور در این است که از مفاهیم در جای خود

استفاده کنند تا اگر یک موضوع امنیتی مطرح و تبدیل به تهدید شد، توان آن را داشته باشد که این تهدید را به فرصت تبدیل کند.

به نظر می‌رسد گفتمان امنیتی در نظام ج.ا.ا. نیاز به تعریف مشخص بر مبنای ارزش‌ها و آموزه‌های اسلامی دارد که این مهم به عنوان مسئله این پژوهش مورد توجه محقق قرار گرفته و اعتقاد نویسنده بر آن است که تبیین گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا. به گونه‌ای شایسته هنوز در حد لازم و کافی مورد توجه قرار نگرفته و به عنوان گم‌شده‌ای در حوزه امنیت نیاز به بررسی دقیق و موشکافانه دارد. در این راستا چگونگی رسیدن به امنیت، جایگاه آن در حکومت، نقش حاکمیت برای رسیدن به امنیت و حفظ آن از مهم‌ترین مسائل قابل توجه در گفتمان امنیتی ج.ا.ا. است که در این مقاله تلاش می‌شود تا به بخش‌هایی از آن پرداخته شود.

ضرورت و اهمیت

بیشتر صاحب‌نظران سیاسی اعتقاد دارند، نگاه یک‌سویه به امنیت و تمرکز بر روی یکی از مؤلفه‌های نظامی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و زیست‌محیطی در ردیف مهم‌ترین چالش‌های حاکمیت منجر به بروز بحران‌های سیاسی - اجتماعی و در نهایت ناامنی در جامعه شده است. این افراد اعتقاد دارند نگاه توأمان به این مؤلفه‌هاست که می‌تواند نیازهای جامعه را فراهم و از بروز چالش‌های امنیتی جلوگیری کند (Zhouying. Jin, 2001: 234). به‌هرحال تأمین این نیاز مستلزم برنامه‌ریزی و اتخاذ روش‌ها و راه‌کارهایی است که در ذیل اقدام‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قابل توجه است.

ج.ا.ا. به‌عنوان تنها حکومت اسلامی در عصر غیبت برای استقرار حاکمیت اسلامی مبتنی بر سیره و سنت رسول خدا (ص) از همان آغازین روزها تلاش کرد تا امنیت را در چارچوب گفتمان اسلامی در جامعه ایران حاکم کند. بر همین اساس سیاست در جمهوری اسلامی در چارچوب اسلام سیاسی فقهاتی و مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه بر اساس نظر حضرت امام خمینی (ره) به معنای اداره جامعه و هدایت آن به سوی تعالی تعریف شده

(مهاجرنیا، 1388: 375) تا بتواند چارچوبی را برای ایجاد امنیت در جامعه اسلامی ارائه دهد. در حکومت اسلامی، ولی فقیه در بالاترین مقام به عنوان رکن اساسی حکومت قرار دارد. رسیدن به رفاه و امنیت که از اولین وظایف حکومت اسلامی است، در پناه هدایت و راهبری ولی فقیه قرار دارد و حاکمیت موظف به حرکت در مسیری است که ولایت فقیه تعیین کرده و در این مسیر حرکت واقعی تنها در چارچوب ارزش‌های اسلامی و مبتنی بر آموزه‌های دینی قرار داشته و خارج از آن پذیرفتنی نیست.¹

به‌هرحال به واسطه اینکه یکی از ملزومات اصلی برای اداره جامعه و هدایت آن به سوی کمال، ایجاد امنیت و رفاه است، این مهم از نگاه اندیشمندان اسلامی نیز به‌طور ویژه بر عهده رهبری حکومت اسلامی قرار دارد که از جمله این اندیشمندان می‌توان به افرادی چون شیخ مفید، فارابی، علامه نائینی، امام خمینی (ره) اشاره کرد²؛ به همین دلیل ایجاد امنیت به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه نظام ج.ا.ا اسلامی ایران با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی همچنان محور تلاش حاکمیت برای رسیدن به آن است. اینکه تا چه میزان نظام در حوزه عمل و نظر در تحقق آن موفق بوده در جای خود باید مورد بررسی و توجه قرار گیرد. با این حال شناخت پایه‌های اثرگذار در تأمین این امنیت بسیار مهم بوده که در این مقاله تلاش خواهد شد به برخی از آن‌ها اشاره شود.

سؤال پژوهش

1- گفتمان امنیتی حاکم بر ج.ا.ا برچه ارکانی استوار است؟

فرضیه پژوهش

- نظر به اینکه مقاله از نوع اکتشافی است، لذا فرضیه‌ای ارائه نمی‌شود.

1- امام خمینی (ره) در بیان دلایل تشکیل حکومت اسلامی سه محور را مطرح نموده است؛ اول عمل پیامبر در تشکیل حکومت، دوم ضرورت ضرورت اجرای احکام الهی و سوم کیفیت قوانین اسلام مانند دفاع ملی، احکام حقوقی، مالی و اجرایی (امام خمینی، 1389: 3).

2- برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به اندیشه متفکرین اسلامی نوشته حسین مهاجرنیا نشر پژوهشگاه علوم انسانی.

روش و نوع پژوهش

روش پژوهش تحلیلی - توصیفی و نوع آن بنیادی است. ابزار گردآوری اطلاعات به شیوه سندکاوی و با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌ای است. مقاله به دلیل اینکه قصد معرفی و توصیف گفتمان حاکم بر نظام ج.ا.ا. بر اساس بسترهای تاریخی و فرهنگی دارد، با نگاهی به روش تحلیل گفتمان بر مبنای قرائت «ارنستولاکلا و شانتال موفه» ارائه می‌شود.

چارچوب نظری

- چارچوب مفهومی نظریه گفتمان

گفتمان شعور متعارف یک جامعه را شکل داده و تعیین می‌کند چه چیزی را می‌توان گفت و از گفتن چه چیزی باید اجتناب کرد (Quathail: 2000: 192)؛ بر این اساس گفتمان، متشکل از نظامی از دال‌هاست که نشان می‌دهد چگونه متن ساخته و پرداخته می‌شود و به جهان اجتماعی ارزش و معنا می‌دهد (sjosted: 2007: 230). گفتمان مسلط، ترجیحات و منافع را بر می‌سازد و مسیر پذیرش رسمی یک رفتار خاص را تعیین می‌کند. رابطه میان این گفتمان و بازیگر یک رابطه دو طرفه است و معنای گفتمان از طریق رویه‌های زبانی بازیگر ایجاد می‌شود.

با این نگاه گفتمان می‌تواند طبقه‌بندی‌کننده و تفکیک‌کننده موضوع‌های مختلف سیاسی و اجتماعی باشد. به خصوص موضوع‌های سیاسی که گفتمان به‌طور معمول در دل آن ساخته می‌شود؛ از این رو دولت‌ها بر اساس محتوای گفتمان برخی موضوع‌های را تهدید محسوب می‌کنند و با امنیتی ساختن موضوع به مدیریت جامعه می‌پردازند. به هر حال نکته مهمی که در شناخت از مفهوم گفتمان مورد توجه جدی قرار دارد، آن است که ظهور گفتمان به یک باره نیست، در بستر زمان و به دنبال تحول‌های حاکم بر محیط بروز می‌کند. هرگفتمانی برای ظهور و توفیق در بستر تحول‌های جامعه، تلاش دارد تا با استفاده از اصول گفتمان به اعمال حاکمیت در جامعه بپردازد. یکی از

محوری‌ترین این اصول که در استحکام گفتمان نقش مهمی دارد، اصل غیریت‌سازی است (رک به حقیقت، 1393: 324). در این اصل، گفتمان با ساخت یک غیر تلاش دارد تا دال‌های شناوری را که هنوز به صورت سیال در جامعه وجود دارد، به سمت خود کشیده و منظومه معنایی خود را شکل دهد. هر چه این منظومه از استحکام بیشتری برخوردار باشد، دوام و توفیق گفتمان برای بقا ماندگارتر خواهد بود.

به هر حال گفتمان بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می‌ماند. از این نگاه گفتمان مجسم‌کننده معنا و ارتباط اجتماعی و شکل‌دهنده ذهنیت و همچنین ارتباطات سیاسی و اجتماعی قدرت است و موضوع‌های را می‌سازد. گفتمان‌ها می‌توانند با توجه به موضوع‌های، با عناوینی چون گفتمان سیاسی، اجتماعی، امنیتی مطرح باشند.

در بین این موارد گفتمان امنیتی به دلیل موسع بودن امنیت، شکلی متفاوت از دیگر موضوع‌های داشته و به دلیل حساسیت قابل تأثیر بر جامعه نیاز به استخراج ابعاد و تعیین مؤلفه‌های ساخت امنیت دارد. گفتمان امنیتی در عین حال که برگرفته از مفهوم امنیت است و ساخت خود را براساس این مفهوم شکل می‌دهد، به امنیت نیز معنا می‌دهد. معنایی که در آن هم مفهوم مثبت و هم مفهوم منفی قرار دارد. نقش منفی زمانی حاصل می‌شود که تصمیم‌سازان و نخبگان کشور نسبت به همه موضوع‌های به دید امنیتی نگاه کنند. این نوع نگرش در واقع نظم حاکم بر کشور را فرو می‌ریزد و به دلیل آثار منفی بر افکار عمومی تعادل جامعه در حالی نایستا قرار می‌گیرد (رک به بوزان، 1391: 341). در عین حال نقش مثبت امنیت نیز به دلیل استحکام بخشی به لایه‌های قدرت حکومت، منجر به امنیت خاطر شهروندان و در نهایت دفاع از امنیت ملی کشور خواهد شد. به همین دلیل نباید گفتمان امنیتی به‌عنوان امری مذموم و منفی مورد توجه قرار گیرد، بلکه باید به نقش مثبت و سازنده آن هم توجه کرد؛ نقشی که محور اساسی آن تلاش برای حفظ و استقرار امنیت در جامعه و در نهایت دفاع از ملت و امنیت ملی کشور است.

در جمع‌بندی گفتمان می‌توان گفت گفتمان، منظومه‌ای از واژه‌ها و نشانه‌هایی است که در پیوند باهم، مجموعه‌ای معنادار را می‌آفریند. نشانه‌ها و مفاهیم دال‌های شناوری هستند که گفتمان‌های گوناگون می‌کوشند به آن معنا دهند. هر نشانه در درون گفتمان به‌گونه‌ای خاص معنا می‌شود و به یک تثبیت معنایی که موقت است، دست می‌یابد. در درون یک گفتمان از واژه لحظه یا وقته استفاده می‌شود. یک لحظه نشانه‌ای است که معنای آن به‌طور موقت تثبیت شده، ولی همواره در معرض شناور شدن قرار داشته و امکان جذب و معنادهی به آن توسط سایر گفتمان‌ها وجود دارد. نشانه‌های گفتمانی بیشتر در اطراف یک دال مرکزی سامان‌دهی می‌شود. دال مرکزی نشانه‌ای است که دیگر نشانه‌ها در پیوند با آن معنا پیدا می‌کنند. مانند لیبرال دموکراسی که در دال‌هایی چون انتخابات آزاد، صندوق‌های رأی، آزادی بیان و مشارکت سیاسی در پیوند با آن معنا می‌یابد. در اسلام سیاسی فقاهتی دال‌ها و مفاهیمی مانند مردم، تشیع، فقه، روحانیت، در کنار مفهوم مرکزی ولایت فقیه معنا می‌یابد. به همین دلیل هر گفتمان مجموعه‌ای از نشانه‌ها را در یک زنجیره هم‌ارزی در کنار هم قرار داده و به آن معنا می‌بخشد. زنجیره هم‌ارزی به این معنا که در عمل مفصل‌بندی نشانه‌های اصلی در یک زنجیره معنایی با نشانه‌های دیگر ترکیب شده و در مقابل یک غیر که آن‌ها را تهدید می‌کنند، قرار می‌گیرد (حسینی‌زاده، 1389: 23).

مفهوم امنیت

در نگاه کلی امنیت با دو مفهوم سلبی و ایجابی معنا می‌شود؛ در سلبی به معنای نبود تهدید و در ایجابی به معنای آرامش تعریف شده است (رک به لای و لیتل، 1380: 14). نگاه اول در مفهوم سنتی دنبال می‌شد و بیشتر رویکردی سخت‌افزاری داشت، اما در نگاه دوم امنیت با رویکردی نرم‌افزاری مورد توجه قرار گرفت که این مهم مربوط به دوران جدید و به عبارتی پسا سنت‌گرایی و ورود به دوران مدرن است.

به معنای دقیق‌تر در نگاه سنتی امنیت‌داری وزن نظامی بود؛ از این رو امنیت در چارچوب نظامی‌گری به معنای نبود تهدید معنا می‌شد که معروف‌ترین شعار نمادین آن به نقل از «مائو»¹ همان واژه «قدرت از لوله تفنگ بیرون می‌آید» است (تافلر، 1370: 43). این نگاه در دوران پساستی تغییر یافت و چند بعدی بودن امنیت را مورد توجه قرار داد. «برژینسکی»² از طرفداران این نظریه می‌گوید، امنیت ملی ملاحظه‌ها بیشتری از امنیت نظامی را در برمی‌گیرد، از جمله آن‌ها زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری فن‌آورانه و حیات ایدئولوژیکی است. نیل به امنیت ملی بدون توجه به این موارد امکان‌پذیر نیست (بوتول، 1364: 80). در دوران پساستی نظریه‌های دیگری در تقویت چند بعدی بودن امنیت مطرح شد. با این وجود، برخی اندیشمندان در نگاه به ابعاد امنیت روی مواردی خاص بیشتر تأکید داشتند. در حالی که عده‌ای اقتصاد را محور قرار داده‌اند، برخی بر دانش به عنوان قدرت تأکید کرده و اعتقاد دارند، اطلاعات و فن‌آوری در اولویت قرار دارد.

صرف‌نظر از دیدگاه‌های متفاوتی که در حوزه امنیت بین اندیشمندان وجود دارد، نکته اساسی و مهم در بررسی‌های امنیتی توجه به مقتضیات و تحول زمانی و نقش تأثیرگذار آن در نگرش به امنیت است. تحول‌های زندگی و رشد روزافزون صنعت و فن‌آوری در زندگی انسان، ابعاد تازه‌ای از امنیت را در کانون توجه خود قرار داد که در مقام مقایسه با گذشته قابل قیاس نیست؛ به همین دلیل می‌گویند، امنیت زمینه است (افتخاری، 1388: 25)؛ به طور مثال فن‌آوری در عین حال که در چارچوب توسعه، امکانات آسایشی بهتر و بیشتری را برای مردم فراهم ساخته، اما در عمل می‌تواند تهدیدی برای امنیت فرهنگی نیز باشد (Lodgard: 1987: 3).

این نوع از نگرش‌ها باعث پیدایش تفکری در امنیت شد که بر محور قدرت سخت و نرم مورد ارزیابی قرارگرفت. در حالی که در قدرت سخت، سخن از به کارگیری

1- maoh

2- Z.Berigenski

قدرت به مفهوم استفاده از زور مورد توجه بود و تفنگ مرکز ثقل آن را تشکیل می‌داد، در قدرت نرم وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواست ملی مبتنی بر تصرف اندیشه مد نظر بود و گفتمان خود را در این چارچوب بر مبنای مفاهیم ارزشی و هنجاری جامعه دنبال می‌کرد. امنیت در قدرت نرم گفتمان‌سازی مطلوب به معنای رسیدن به آرامش بود. به هر حال این تفاوت‌ها منجر به بروز منازعه‌ها و کنش‌های گفتاری و رفتاری در جوامع شد که کمترین محصول آن لرزش‌های امنیتی در تأمین امنیت ملی و ضربه‌پذیری در سیر تحول زندگی و ساخت جامعه‌ایی به دور از منازعه است. با وجود باور انسان به اهمیت وجودی امنیت برای بقا، این مهم به واسطه زیاده‌خواهی‌های انسان با چالش‌های جدی مواجه شد که کمترین ثمره آن کاهش ضریب امنیتی جامعه جهانی بوده است.

چارچوب مفهومی

- سیر تطور گفتمان در ج.ا.ا.

به‌طور معمول گفتمان‌ها بعد از رسیدن به اوج قدرت، به دلایل متعددی از جمله تغییر شرایط سیاسی - اجتماعی جامعه، جای خود را در فضای جدید به گفتمان دیگر خواهند داد؛ به‌طور مثال گفتمان حاکم بر نظام ج.ا.ا. در دهه اول مبتنی بر شرایط ناشی از تحول‌های اولیه انقلاب و جنگ، حول محورهایی چون فرهنگ ایثار، شهادت، سازندگی و مواردی مانند آن موفق شد، موقعیت خود را حفظ کند. این گفتمان بعد از دوران جنگ و تغییر فضای سیاسی - اجتماعی حاکم بر کشور و ورود به دوران جدید جای خود را به گفتمان سازندگی داد که این روند نیز به دلایل متعدد ناشی از افزایش تورم و تنگناهای اقتصادی حاصل از جنگ همچنین تغییر شرایط جهانی و رشد فن‌آوری اطلاعات و آثار آن در صحنه تحول‌های جهانی در آغاز ورود به دهه سوم جای خود را به گفتمانی به نام اصلاحات داد. گفتمان اصلاحات نیز با ورود به عرصه توسعه سیاسی و کم‌توجهی به توسعه اقتصادی موفقیتی به دست نیاورد و با افزایش اعتراض‌های عمومی نسبت به

گسترش موضوع‌های سیاسی و سیال شدن جامعه، جای خود را در اواخر دهه سوم به گفتمان جدیدی داد که اندیشه عدالت محوری به‌عنوان دال مرکزی در محور آن قرار داشت. این اندیشه تلاش کرد تا با نگاه دقیق‌تر به دغدغه عمومی برای خروج از بن‌بست سیاسی ناشی از توسعه سیاسی، نگاه به اقتصاد را در محور توجهات خود قرار دهد. این گفتمان نیز با وجود تأکید بر مباحث ارزشی به دلایل متعدد ناشی از تفکر جناحی با چالش جدی در اواخر دوران خود مواجه شد و اعتراض‌های گفتاری در برابر آن شکل گرفت. آخرین گفتمان که با شروع دهه چهارم انقلاب اسلامی همراه شد، اعتدال‌گرایی است. در این نگاه عدالت‌محوری همچنان در کانون توجه قرار داشته و تلاش بر آن است تا این مهم با رعایت حد وسط، به قطعیت دست یابد. اینکه تا چه حد و اندازه‌ای موفق به رسیدن به آن خواهد شد، نیاز به بررسی‌های موشکافانه و دقیق دارد که امید است توسط سایر محققان به آن پرداخته شود.

به هر حال کانون اصلی گفتمان‌های حاکم بر ج.ا.ا مبتنی بر گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی قرار داشته است. این گفتمان در جریان انقلاب اسلامی به دو دلیل در برابر سایر جریان‌های سیاسی موفق شد سایر جناح‌های سیاسی را در حاشیه قرار دهد. اولین آن اعتبار بالای دین اسلام در نزد عامه و و دومین آن سهولت دسترسی توده به آراء و اندیشه‌های اسلامی بود که به عنوان عامل مقوم بخش گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا در جریان پیروزی انقلاب اسلامی به اثبات رسید. در حالی که اندیشه‌هایی مانند لیبرالیسم و سوسیالیسم با پشتوانه خارجی و برخی عوامل ذی‌نفوذ به‌عنوان اندیشه به‌ظاهر غالب مطرح بودند، اسلام سیاسی فقاهتی موفق به حذف آن‌ها شده و به‌عنوان اندیشه غالب مطرح می‌شود.

- مفهوم گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی در ج.ا.ا

گراهام فولر از اندیشمندان معاصر سیاسی در بررسی آثار انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی را گفتمانی می‌داند که از قرآن و سنت برای تأسیس یک نظام سیاسی بهره برده

و معتقد است اسلام سیاسی قابلیت آن را دارد که گونه‌ای دموکراسی غیر غربی را بنا نهد (فولر، 2003: 146). گفتمان اسلام سیاسی که غرب برای اولین بار در ارتباط با انقلاب اسلامی ایران به کار گرفت می‌تواند به‌عنوان چارچوبی برای نگاه به شرایط ایران بعد از انقلاب اسلامی باشد. به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، رهبری کارآمد، به‌واسطه اینکه با ساماندهی توده مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در وفاداری مردم به حکومت تلقی می‌شود (Sharp, 2005: 17)، می‌تواند به‌سرعت جایگاه خود را در بین توده تثبیت کند. این مهم که به‌عنوان یک نظر در اندیشه افرادی مانند «جین شارپ» آمده حاکی از اهمیت جایگاه ولی‌فقیه در اسلام سیاسی فقاهتی می‌باشد.

اسلام سیاسی فقاهتی در آستانه انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی (ره) شکل گرفت. این گفتمان اگرچه در طول تاریخ در اندیشه شیعی وجود داشت، ولی به‌واسطه فراز و نشیب‌های فراوان ناشی از استبداد سلاطین در عصر غیبت، فرصتی برای ظهور پیدا نکرد تا اینکه با مرجعیت امام خمینی (ره) در آغاز دهه چهل به‌تدریج جای خود را در اندیشه شیعی بازیافت و به پشتوانه تلاش‌ها و مبارزات امام خمینی (ره) در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه هجری شمسی و با نزدیک شدن به پیروزی انقلاب اسلامی توانست به‌عنوان گفتمان غالب در برابر سایر گفتمان‌ها مطرح شود.

با پیروزی انقلاب اسلامی این گفتمان کم‌کم نشانه‌ها و مفاهیم خود را در یک منازعه سخت گفتمانی با سایر گفتمان‌ها تثبیت کرد و به یک منظومه معنایی مشخصی دست یافت که مفاهیمی چون ج.ا.ا، فقه، احکام اسلامی، ولایت‌فقیه، اجتهاد، تعهد، آزادی و عدالت، حمایت از مستضعفان در آن برجسته گردید. هدف این گفتمان بازسازی جامعه ایرانی بر اساس احکام فقهی اسلامی بود و هرگونه تقلید از غرب را نکوهش می‌کرد. این گفتمان در برابر اومانیزم، سکولاریسم، ملی‌گرایی و دموکراسی غربی بر خدامحوری، سیطره دین بر جامعه و سیاسی، حقوق بشر اسلامی و ولایت فقیه تأکید داشته و در عین حال از مفاهیمی چون مردم، جمهوریت، دموکراسی، قانون، آزادی و عدالت حمایت می‌کرد (حسینی زاده، 1389: 278).

تأکید اصلی این گفتمان بر تأمین امنیت و رفاه از طریق توجه به مبانی دینی و اسلامی بوده و به‌خصوص مواردی چون جدا نبودن دین از سیاست، غیریت‌سازی با گفتمان غرب‌گرایی، استکبارستیزی و دفاع از مستضعفان خوشایند غرب‌گرایان قرار نگرفت و از همان ابتدا تلاش‌ها برای بر هم زدن نظم گفتاری انقلاب اسلامی از طریق ایجاد ناامنی در کشور مورد توجه مخالفان قرار گرفت. تلاش به منظور طرح مواردی چون جمهوری اسلامی دموکراتیک، جمهوری ایرانی، در کنار توطئه‌های ضد امنیتی داخلی و خارجی به‌تدریج پایه‌ریزی شد؛ به‌گونه‌ای که بیشترین منازعه‌های گفتاری و رفتاری در همان سال‌های اولیه انقلاب اسلامی نظام تازه تأسیس ج.ا.ا با چالشی جدی مواجه ساخت. این چالش با شروع جنگ تحمیلی به اوج رسید، به‌طوری‌که حداقل تا پایان دهه اول انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد.

در تمامی این شرایط ولایت‌فقیه به‌عنوان دال مرکزی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به مدیریت شرایط پرداخت و در برابر سایر گفتمان‌ها با تشکیل زنجیره هم‌ارزی از ارزش‌ها و اعتقادهای دینی و ملی موفق به راهبری نظام ج.ا.ا و دفاع از امنیت ملی و حفظ امنیت جامع اسلامی ایران گردید. در تمامی دوران بعد از انقلاب اسلامی رکن هویت‌بخش اسلام سیاسی فقاهتی، در اندیشه ولی‌فقیه، مبتنی بر استکبارستیزی، عدالت و دفاع از مستضعفان به‌واسطه عدم پذیرش نظام سلطه به مهم‌ترین کانون منازعه کلامی بین نظام ج.ا.ا و غرب تبدیل شد. در پی این منازعه، کنش رفتاری نظام سلطه امنیت نظام ج.ا.ا را مورد تهدید قرار داد که در تمامی مقاطع انقلاب اسلامی ایران در قالب مواردی مانند جنگ داخلی، جنگ تحمیلی، هجمه‌های فرهنگی، حمایت از طیف‌های سیاسی حامی غرب و تحریم‌های نظامی - اقتصادی مشاهده شد.

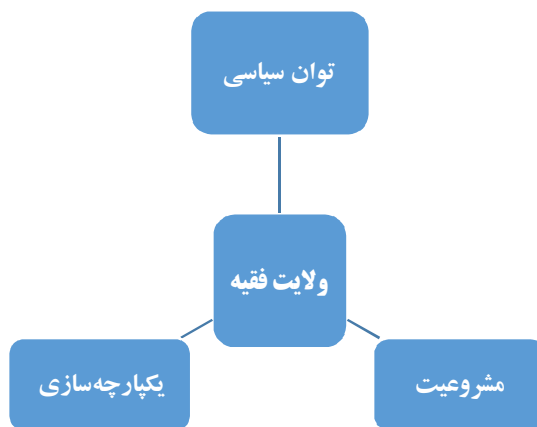
- ساخت گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی

اسلام سیاسی فقاهتی کانون اصلی گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا را تشکیل داده است. این گفتمان ساخت خود را در چارچوب اهداف ارزشی نظام ج.ا.ا بر اساس آموزه‌های اسلامی در دو حوزه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به شکل زیر مورد توجه قرار داده است:

الف - حوزه سخت‌افزاری: قدرت سخت‌افزاری نظام ج.ا.ا با توجه به تأکید مبانی دین اسلام و وظایفی که بر عهده حاکمیت اسلامی قرار داشته بر دو محور ایجاد نظم امنیت در داخل و دفاع در برابر تجاوز بیگانه قرارداد. نظام ج.ا.ا که از همان ابتدای تأسیس تلاش خود را بر ایجاد رابطه احترام متقابل با سایر کشورها قرارداد با تلاش نظام سلطه دورانی سخت در برابر تهدید علیه امنیت ملی را تجربه کرد و به‌ناچار با جنگی نابرابر در دهه اول روبرو شد. در حوزه داخل نیز تلاش‌ها علیه امنیت ملی کشور با برپایی توطئه براندازی توسط عناصر وابسته و گروه‌های سیاسی طرح‌ریزی و امنیت نظام مورد تهدید قرار گرفت. در هر دو مورد نظام نوپای ج.ا.ا مجبور به استفاده از قدرت سخت‌افزاری و برخورد با ناامنی حاصل از تحولات خارجی و داخلی شد. در هر دو زمینه‌ای که امنیت نظام مورد تهدید قرار گرفته بود، ج.ا.ا با تأکید بر اسلام سیاسی فقاهتی با رهبری امام خمینی (ره) موفق به خروج از هر دو بحران شد.

ب - حوزه نرم‌افزاری: قدرت نرم‌افزاری نظام ج.ا.ا همانند سخت‌افزاری، برگرفته از آموزه‌های دینی و اسلامی و مبتنی بر ارزش‌های حکومتی مبتنی بر اسلام سیاسی فقاهتی قرار گرفت. در کانون اساسی این قدرت، ولی‌فقیه همچنان به‌عنوان محور گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی را راهبری کرد. امام خمینی (ره) به‌عنوان بنیان‌گذار حکومت اسلامی مبتنی بر اسلام سیاسی فقاهتی و با تأکید بر ارزش‌های دینی در عصر غیبت موفق شد تا با یکپارچه کردن افکار و اندیشه‌های قومی، زبانی، مذهبی و فرهنگی و یکپارچه ساختن گروه‌های اجتماعی و تبدیل آن‌ها به یک نیروی سیاسی واحد، بخشی از قدرت نرم‌افزاری نظام ج.ا.ا را در برابر نظام سلطه و اهداف توسعه‌طلبانه آن‌ها

ساماندهی کرده و چارچوب روشی امنیت را در دفاع از امنیت ملی تبیین کند که این مهم بعد از رحلت حضرت امام خمینی(ره) توسط رهبر فرزانه انقلاب اسلامی آیت الله خامنه‌ای(مدظله‌العالی) نیز در سه دهه بعدی همچنان در کانون تفکر اسلام سیاسی فقهاتی ادامه پیدا کرد. در هر دو دوره(رهبری امام خمینی(ه) و امام خامنه‌ای) چارچوب عملی امنیت در گفتمان ج.ا.ا مبتنی بر اسلام سیاسی فقهاتی در دفاع از سه محور مشروعیت، یکپارچگی و توان سیاست‌سازی¹ قرار گرفت. ولایت فقیه در مرکز این گفتمان به‌عنوان دال مرکزی، نشانه‌های تأثیرگذار بر این سه را در یک زنجیره هم‌ارزی قرار داده و با غیریت‌سازی به‌واسطه قابلیت اعتبار و دسترسی توده موفق به ساخت گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا شد.



در مشروعیت‌سازی نظام ج.ا.ا به‌واسطه برپایی انتخابات در تمامی عرصه‌های سیاسی و آرای مردمی به تأسیس حکومت اسلامی و رأی به قانون اساسی و به علت استمرار حضور ملت در صحنه با مشکل حادی که منجر به بحران‌های فراگیر در ایران شود، روبرو نشده است. مشروعیت نظام ج.ا.ا با توجه به اصول مندرج در قانون اساسی که اسلامی بودن نظام را بر اساس اصول ولایت فقیه مشخص کرده مشروعیت نظام ج.ا.ا را مورد تأکید قرار داده است. حضور ولی فقیه در کانون تفکر اسلام سیاسی فقهاتی

1- مراجعه شود به آذرمنون در فهرست منابع.

به‌عنوان رهبری کارآمد که مورد پذیرش ملت قرار داشته از مهم‌ترین عوامل مقوم بخش حاکمیت اسلامی موفق به بازتعریفی از امنیت در حکومت اسلامی شد که پایه‌های اصلی آن در مشروعیت‌سازی نظام ج.ا.ا حکومت اسلامی را استحکام بخشید.

در حوزه دوم کثیرالمله بودن ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های اثرگذار در تهدید علیه امنیت ملی همواره امنیت حاکم بر کشور را با چالش‌هایی مواجه ساخته که در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی همواره مطرح بوده است. کشورهای کثیرالمله به‌طور طبیعی با مشکلات ناشی از تفرقه‌های قومی، نژادی، زبانی، دینی روبرو هستند؛ با این وجود گفتمان انقلاب اسلامی ایران با رهبری حضرت امام خمینی(ره) و با تأکید بر اسلام سیاسی فقهاتی موفق شد ایدئولوژی‌های لیبرالیسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم را در حاشیه قرار داده و انسجام سیاسی و اجتماعی جامعه ایران را قوام بخشد.

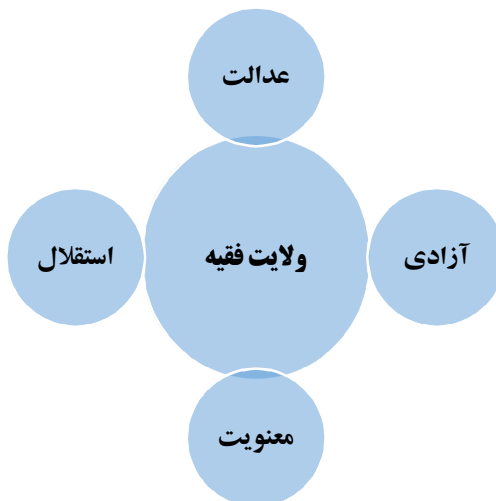
در حوزه سوم که مربوط به توان سیاست‌سازی است، نقش دولت در تأمین امنیت و توجه به کارکردهای آن مورد توجه است. برای تشریح این مهم توجه به منطق موقعیت اجتماعی یا به عبارتی شرایط زمانی و مکانی که نظام در طول بیش از سه دهه در آن قرار گرفته می‌تواند زوایای این تفسیر را بهتر مورد واکاوی و بررسی قرار دهد که مهم‌ترین بخش این مقاله را به خود اختصاص داده است.

- سیر تطور گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا

گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام سیاسی فقهاتی، موفق شد، سایر گفتمان‌ها را تحت تأثیر قرار داده و آن‌ها را در حاشیه قرار دهد. محور اصلی این گفتمان، ولایت فقیه است که به‌عنوان دال مرکزی سایر دال‌ها از جمله فقه، روحانیت، آزادی، قانون، امنیت و عدالت را در یک زنجیره هم‌ارزی مفصل‌بندی و معناداری کرد و ضمن تحکیم اتحاد و همدلی بین طبقات مختلف جامعه با تأکید بر عوامل تأثیرگذار در افزایش همبستگی ملی از جمله زبان و دین موفق به حل

موضوع‌های و مسائل اثرگذار در واگرایی امنیت ملی و دفاع از امنیت کشور شده است. این تحول در دوره‌های زمانی زیر قابل بررسی است:

دوران اول (67-57) - در این دوره که مربوط به دوران حیات امام خمینی (ره) است، ایشان با درک شرایط خاص ناشی از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با اعمال سیاست محدودسازی فعالیت گروه‌های سیاسی، سعی در حفظ امنیت و وحدت انقلاب اسلامی و حفظ حلقه ائتلاف در بین طبقات مختلف جامعه را داشت. در این دوران گروه‌های مخالف و جنبش‌های غیرقانونی تلاش خود را از طریق جذب طبقات مختلف جامعه با اجرای اقدام‌های مسلحانه و گسترش آن به تمامی نقاط کشور و یا از طریق کودتا دنبال می‌کردند (افتخاری، 1378: 32). در این دوره جنگ تحمیلی مبدأ به صحنه آمدن نظام گفتاری تازه‌ای مبنی بر احساس عمومی توأم با حس وحدت، همدلی و پرورده شدن میل به فداکاری و جانپازی گردید. محوریت ارزش‌های شیعی، وجه حماسی، لحن سوگوارانه، گرایش شدید به مباحث ارزشی دینی همچون شهادت از مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی گفتاری جنگ است و با توجه به این‌که امنیت نظام مورد تهدید واقع شده بود، عامه مردم با چنین گفتاری به حمایت از نظام پرداخته (کاشی، 1379: 78) و امنیت نظام در چارچوب اطاعت از فرمان‌ها، تدابیر، هدایت‌ها و راهنمایی‌های امام خمینی (ره) تفسیر و دنبال می‌شد. امام خمینی (ره) با تأکید بر اسلام سیاسی فقه‌پسندی موفق شد تا سایر موضوع‌های همچون امنیت، عدالت، آزادی را در زنجیره هم‌ارزی ساماندهی کرده و مکتب امنیتی نظام ج.ا.ا را بر اساس آن شکل دهد. در این مکتب ارکان اساسی نظام ج.ا.ا در چارچوب قانون اساسی نظام ج.ا.ا بر چهار محور معنویت، آزادی، عدالت و استقلال پایه‌ریزی و امنیت و رفاه توده مورد توجه قرار گرفت.



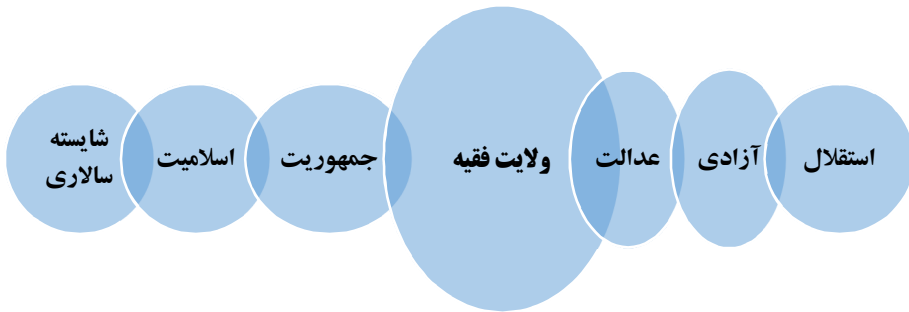
در دهه اول محوریت امام خمینی (ره) به عنوان ولی فقیه و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی باعث شد تا همه نشانه‌ها در حول دال مرکزی ولایت قرار گیرد و گفتمان امنیتی حاکم بر نظام ج.ا.ا حول محور ولایت تفسیر و مورد توجه قرار گیرد. در این گفتمان نظرات و اندیشه‌های امام (ره) با توجه به دو محور ارزشمند اعتبار و قابلیت دسترسی در تمام ساختارها و نهادهای نظام ریشه دوانیده و مفاهیمی مانند بی‌قراری نشان‌ها در فضای دهه اول که جنگ نیز به آن شدت بخشیده بود، معنا و مفهومی پیدا نکرد.

دوران دوم (67-76) - با پایان جنگ تحمیلی، هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس‌جمهور، سیاست تثبیت‌گرایی را در مورد فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی و جلوگیری از انشقاق طبقاتی در پیش گرفت و سعی در نظارت اوضاع سخت ناشی از پایان جنگ را داشت. در این دوران جنبش غیرقانونی، خسته از ادامه روش‌های مسلحانه با نظام، به سمت اقدام‌های فرهنگی و جلب توجه جامعه و به‌خصوص قشر جوان برآمد (همان: 33) و اختلافات طبقاتی و ایدئولوژیکی ظهور پیدا کرد.

در این دوران نظام گفتاری هاشمی رفسنجانی برای نسل جنگ چندان خوشایند نبود. عرصه فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و در ادامه اقتصادی با حضور نیروهای متخصص، تحصیل‌کردگان دانشگاهی، طبقات صاحب ثروت، بنگاه‌های تولیدی شرایط

جدیدی را به وجود آورد که نیازها و خواسته‌های توده تفاوتی ماهوی با قبل پیدا کرده بود. تأکید بر سازندگی و ارزش‌های مربوط به آن، کم‌رنگ شدن ارزش‌های جبهه و جنگ، احساس نبود الگوی آزادی و دموکراسی، برانگیختن احساس عمومی نسبت به فرآیند توسعه از مهم‌ترین ویژگی‌های الگوی گفتاری دوران سازندگی بود. دوره هاشمی آن‌چنان‌که روشنفکران و جوانان تازه به صحنه آمده طلب می‌کردند، آهسته و کند بود (کاشی، 1379: 79). تبعات حاصل از این روند تا حد قابل توجهی زمزمه‌های مخالفت‌ها را در قالب مباحث صنفی و در برخی موارد طبقاتی رقم زد که از جمله این موارد می‌توان به تحركات اعتراض‌آمیز در شهرهای قزوین و اسلام‌شهر در سال‌های 73 و 75 اشاره کرد (ساوه درودی، 1386: 121). هم‌زمان با این اقدام‌های طبقه روشنفکر و حامی تجددگرایی گام بلندی را برای جذب طبقات جامعه برداشتند. این حرکت با توجه به تحول‌های جهانی و دسترسی آسان و سریع توده به اخبار و اطلاعات که با ورود فن‌آوری جدید اینترنت همراه شده بود، خواسته‌های جدیدی را مطرح کرد که با جنس خواسته‌های دهه اول انقلاب اسلامی متفاوت بود. رسانه‌ای شدن فضای جهانی و به تبع آن فضای داخلی و روند رو به رشد انتشار روزنامه‌های رنگی توسط حامیان اندیشه تجددگرایی، فضای فکری جدیدی را به وجود آورد که محور آن آزادی به سبک غربی و اندیشه لیبرال دموکراسی غربی بود. اندیشه جدید با هدایت طبقات روشنفکر جامعه به سرعت در بین دانشجویان، دانشگاهیان و صاحبان حرف تخصصی رواج یافت و با اثرگذاری در نگرش نیروهای جوان بر امنیت نظام با ورود به دهه سوم تحت تأثیر نگرش جدید قرار گرفت. با این حال در این دوران نیز با وجود تلاش‌های صورت گرفته برای تغییر در اندیشه‌های نظام اسلامی، ولایت فقیه همچنان نقش پررنگ خود را در گفتمان جدید حفظ کرد و با تدابیر، هدایت‌ها و راهنمایی توده، گفتمان امنیتی نظام را بر محور اسلام سیاسی فقه‌پسند و مبتنی بر آموزه‌های دینی و اسلامی ساماندهی کرد. در این دوران با وجود تلاش‌های مخالفان داخلی و خارجی که بیشتر برای مسخ ارزش‌های اسلامی صورت گرفته بود، نظام ج.ا.ا موفق شد با استفاده

از قدرت نرم‌افزاری خود که ولایت فقیه در محور آن قرار داشت به‌عنوان گفتمان غالب، گفتمان تازه را در حاشیه قرار داده و امنیت نظام ج.ا.ا را حفظ کند. در این دوران واژه‌هایی به نام جمهوریت، اسلامیت و شایسته‌سالاری در ادبیات سیاسی ایران مطرح می‌شود. با این وجود هیچ‌کدام به برجستگی خاصی نرسید و آنچه نمود قابل‌توجهی داشت همچنان ولایت فقیه بود.



در این دهه با توجه به تغییر فضای ناشی از پایان جنگ و رحلت حضرت امام(ره)، فضای جدید ناشی از بی‌قراری نشانه‌ها در درون مفصل‌بندی دهه اول کم‌کم شکل خود را نشان داد. در این فضا که عوامل بیرونی و تحولات بین‌المللی نیز در ایجاد آن نقش داشتند، ولایت فقیه همچنان به‌عنوان دال مرکزی موجودیت خود را حفظ کرد؛ اما سایر نشانه‌ها به‌واسطه تلاش گفتمان‌های دیگر که در فضای جدید فعال شده بودند، وارد عرصه رقابتی شده و تفسیر جدید از نشانه‌های مفصل‌بندی شد که در پی بی‌قراری‌های اجتماعی به وجود آمده بود، باعث شد تا مفاهیمی مانند عدالت و برابری در میان سایر نشانه‌ها بیشتر از دیگران نمایان شود. با وجود سلسله مباحث مطروحه توسط هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران پیرامون عدالت اجتماعی، بیشتر گفتمان حاکم بر کشور پیرامون مسئله سازندگی بود و به تدریج رنگ و بوی استقرار عدالت اجتماعی کم‌رنگ و مسائل و مشکلات ناشی از نارضایتی توده در برابر وضعیت موجود فضای امنیتی کشور را با چالش مواجه ساخت دوران سوم (84-76) - این دوره با تفاوتی کاملاً مشخص از

دوره‌های قبلی و در پی انتخاب خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهور از سال 1376 آغاز شد. سیاست رئیس‌جمهور جدید مبتنی بر آزادسازی فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی و طرح گفتمان سیاسی مبتنی بر تکثرگرایی تفاوتی ماهوی با گذشته پیدا کرد. در این دوران 194 حزب مجوز فعالیت رسمی از وزارت ارشاد را دریافت کردند، درحالی‌که در دوره قبل (دو دوره ریاست جمهوری آیت‌الله... هاشمی رفسنجانی) تنها 37 حزب موفق به دریافت مجوز فعالیت شده بودند.¹

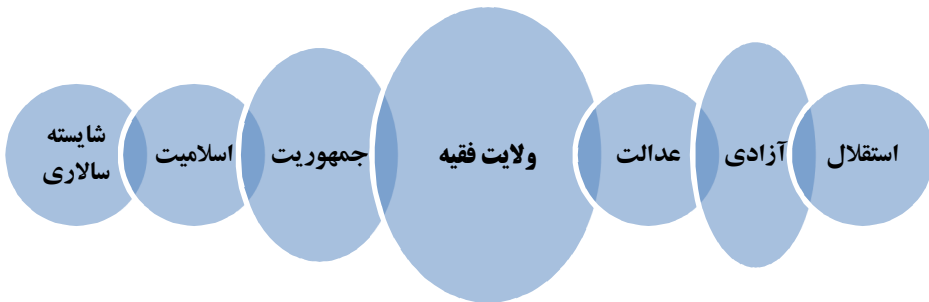
گفتمان حاصل از پیروزی در انتخابات خرداد 76، که به گفتمان اصلاحات مشهور شده بود در پی نظم‌گفتاری جدید که محور آن برگرفته از الگوی دموکراسی، قانون‌مداری و جامعه مدنی بود تلاش داشت هنجار جدیدی را تولید کند. تأکید بیش از اندازه بر روی گفتمان سیاسی، منجر به منازعه بین دو اندیشه تجددخواه و سنت‌گرا شد. درحالی‌که متجددین خود را اصلاح‌طلب می‌نامیدند، جناح مقابل به اصولگرایان مشهور شد و از این‌پس گفتمان حاکم بر نظام ج.ا.ا. به‌طور رسمی بین این جناح تعریف می‌شد. در سپهر اصولگرایی، حکومت دینی، حکومتی است که تمام ارکان آن بر اساس دین استوار است، مشروعیت نظام به ولایت‌فقیه است و خبرگان تنها از باب کشف ولی‌فقیه است، نه انتخاب او (مصباح یزدی، 1378: 110). درحالی‌که در سپهر اصلاح‌طلبی چنانچه سیاست حکومتی منافاتی با دین نداشته باشد، کافی است، منشأ مشروعیت مردم هستند، دین از دولت جدا و حکومت نباید کاری به دین مردم داشته باشد (سروش، 1376: 202) و اعمال قدرت در رأی و خواست مردم است.² در اندیشه تجددخواهی طبقاتی چون روزنامه‌نگاران، دانشجویان، دانشگاهیان، صاحب‌حرف تخصصی، تحصیل‌کرده‌های خارج کشور و حتی بخشی از روحانیون و در اندیشه تجددخواهی طبقاتی از روحانیت، بازار و بخش‌هایی از دانشجویان و دانشگاهیان قرار داشتند. پافشاری این طیف بر مسائل سیاسی به حدی بود که عموم مسائل رنگ سیاسی

1 - نگاه کنید به علی‌داری (1388)، جریان‌های سیاسی در ایران، تهران نشر، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

2 - سخنرانی خاتمی در شهریور سال 1377

به خود گرفت. در واکنش به حاکمیت این اندیشه نوعی دل‌زدگی از سیاست در بین توده رواج یافت که مصداق آن در انتخابات شورای شهر سال 1381 با حضور کم‌رنگ مردم در انتخابات به اثبات رسید و بدین ترتیب الگوی خاتمی نیز تحت تأثیر فعالیت‌های طبقاتی جامعه با چالش جدی مواجه شد.

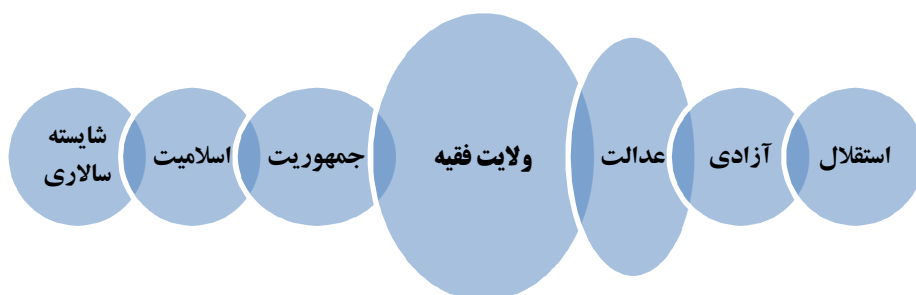
در این دوران نیز محور اصلی حاکمیت بر رکن ولایت فقیه قرار داشت. ترکیبی از دو سپهر اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبی با وجود قرار گرفتن در ارکان قدرت و با دو رویکرد و نگرش متفاوت نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی همچنان در زنجیره هم‌ارزی ناشی از محوریت ولایت فقیه قرار داشتند. اسلام سیاسی فقاهتی با محوریت ولایت فقیه گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا را برای تأمین امنیت و رفاه همچنان مدنظر داده و همانند دو دهه قبل گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا را مبتنی بر قدرت نرم‌افزاری در عرصه‌های مختلف و در قالب راهنمایی‌ها و هدایت‌های اسلامی دنبال کرد.



در دهه سوم شرایط در مقایسه با دو دهه قبل، از تفاوتی قابل توجه برخوردار گردید. تغییر این فضا که تحت شرایط واگرایی‌های داخلی در حوزه گفتمانی بین اسلام سیاسی فقاهتی و اسلام لیبرال و در برخی موارد درون هرکدام از آن‌ها شکل گرفته بود، شدت بی‌قراری‌ها و منازعه‌های درون گفتمانی را افزایش داده و منجر به تعاریف جدیدی از نشانه‌های مفصل‌بندی شده در دهه اول و دوم گردید. در این دوران نشان‌هایی مانند آزادی در صحنه رقابت با دیگر نشان‌ها بیشتر خود را نشان داد، به گونه‌ای که تفسیر جدیدی از این نشان مبتنی بر اندیشه‌های غربی در کشور معنا و مفهوم پیدا کرد؛ با

این حال در این فضا نیز ولایت فقیه در مرکز گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی به عنوان دال مرکزی باقی ماند و با وجود افزایش بی‌قراری‌ها ناشی از نگاه یک‌سویه به توسعه سیاسی، همچنان به عنوان دال مرکزی فضای پرتنش سیاسی ناشی از اختلاف‌ها و منازعه‌های درون‌گفتمانی بین دو طیف راهبری و امنیت نظام ج.ا.ا را حفظ کند.

دوران چهارم (84-92) - با انتخاب احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور، فعالیت‌های سیاسی در کشور دوران جدیدی را تجربه کرد. حاکم شدن این شرایط بی‌تأثیر از دوران سوم نبوده است. در دوران سوم رشد فعالیت‌های سیاسی جنبش قانونی و طرح مباحث پیش‌ازحد سیاسی نوعی دل‌زدگی را در میان آحاد مردم از فعالیت احزاب سیاسی فراهم ساخت. احمدی‌نژاد که تفکری نزدیک به اصولگرایی داشت با حمایت بخشی از اصولگرایان و با گفتمان عدالت‌طلبی به میدان رقابت وارد و موفق شد از رقیب خود پیشی گرفته و قدرت را به دست گیرد. در دوران احمدی‌نژاد دغدغه‌ای به نام عدالت بیش از سایر نشانه‌ها خود را در این زنجیره هم‌ارزی به برجستگی رسید؛ با این وجود این ولایت فقیه بود که در تفسیر از عدالت و سایر نشانه‌ها، گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا را راهبری می‌کرد و در فضای متلاطم ناشی از اوج‌درگیری‌های جناحی بین گروه‌های فکری - سیاسی ایران موفق به حفظ امنیت ج.ا.ا شد.



در این دوران رویکرد تخریبی غرب، علیه نظام ج.ا.ا از طریق قدرت نرم‌افزاری و با بهره‌گیری از قدرت رسانه‌ای در دستور کار قرار گرفت. برخی از اصلاح‌طلبان با اندیشه لیبرال دموکراسی غربی در برابر گفتمان جدید صف‌آرایی کرده و تلاش کردند تا با

جلب نظر طبقاتی از جامعه، نگاه آن‌ها را به سمت خود جلب و آمادگی برای حضور در انتخابات دهم ریاست جمهوری را به دست آورند. با وجود تلاش‌هایی که برای رسیدن به قدرت در انتخابات دهم صورت گرفته بود، این طیف توفیقی برای حضور در قدرت پیدا نکرد. در فضای جدید تنش ناشی از رقابت بین دو جناح، نظام ج.ا.ا را با چالشی جدی مواجه ساخت. در پی ایجاد این شرایط تلاش‌ها برای به اصطلاح نبود آزادی و امنیت در کشور رشد پیدا کرد، اما در این مرحله نیز ولایت فقیه با تأکید بر اندیشه‌های اسلام سیاسی فقهاتی به‌عنوان محور همگرایی و هدایت عامه برای تشخیص مسائل و رویدادهای کشور، نظم گفتمانی امنیت را در چارچوب قوانین نظام ج.ا.ا راهبری و هدایت کرد که آثار آن در تجمع مردمی 9 دی‌ماه سال 1388 به منصف ظهور رسید. از سال 89 به بعد نقد بر دولت حاکم به اوج رسید. برخی از دولت‌مردان حاکم که خود در ایجاد این مهم نقش داشتند، در تلاش برای گذر از اندیشه ولایت‌فقیه، تنش‌هایی را در کشور ایجاد کردند که این مهم خود باعث تغییر نگرش عموم توده از عملکرد برخی از دولت‌مردان شد. تنش بین دو طیف اصلی حاکمیت تا سال 1392 کم‌وبیش ادامه یافت.

دوران پنجم (92 به بعد)- در این دوران نیز ولایت فقیه با تأکید بر اسلام سیاسی فقهاتی همچنان در محور گفتمان امنیت نظام ج.ا.ا با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و اسلامی گفتمان اسلام سیاسی را بر محور ولایت فقیه راهبری کرد و فضای انتخاباتی سال 1392 علی‌رغم تلاش غرب و هجمه‌های روانی حامیان با حضور 72 درصدی ملت در صحنه انتخابات در فضایی امن و با آرامش تمام برقرار و حسن روحانی که سابقه عضویت در جناح اصولگرا را داشت، به‌عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. روحانی با شعار اعتدال‌گرایی تلاش کرد تا از بروز تنش امنیتی بین جناح‌های سیاسی داخلی جلوگیری کند. در حوزه خارجی نیز دولت برای حل مسئله هسته‌ای ایران که به‌عنوان مهم‌ترین تنش امنیتی بین ایران غرب بود متمرکز شد که درنهایت با بیانیه توافق مشترک در تابستان سال 1394 تا حدی از این تنش کاسته شد. با این وجود در این دوران نیز

اساس حرکت نظام ج.ا.ا مبتنی بر اسلام سیاسی فقاهتی با محوریت ولایت فقیه، کانون گفتمان امنیتی جمهوری اسلامی ایران را تشکیل داد؛ اگرچه هنوز در مورد شرایط ناشی از حضور دولت جدید در عرصه فضای سیاسی - اجتماعی ایران قضاوت سخت و مشکل است، اما به نظر می‌رسد گفتمان اعتدال از فضای استعاری خود در حال فاصله گرفتن است که این امر نیز می‌تواند منجر به بروز تنش‌هایی در عرصه سیاسی کشور و تأثیرگذاری بر فضای امنیتی شود. با این وجود قرار گرفتن حاکمیت اسلامی در منظومه فکری اسلام سیاسی فقاهتی با محوریت ولی فقیه همچنان به‌عنوان عامل استحکام نظام ج.ا.ا نقطه قوتی است که می‌تواند امنیت نظام ج.ا.ا را تضمین کند.

نتیجه‌گیری

استقرار نظام ج.ا.ا، ساختار اقناعی رهبری امام خمینی (ره) و تداوم خط ولایت فقیه، نقطه کانونی حاکمیت گفتمان اسلامی مبتنی بر اسلام سیاسی فقاهتی است که به‌عنوان عامل مقوم بخش امنیت در نظام ج.ا.ا در طول نزدیک به چهار دهه از عمر انقلاب اسلامی موفق به دفاع از امنیت ملی کشور و امنیت ملت شده است. گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا برگرفته از اسلام سیاسی فقاهتی با بهره‌گیری از دو عامل قابلیت دسترسی و اعتبار در مقایسه با سایر گفتمان‌ها توانست تفسیری از استقرار امنیت در جامعه اسلامی ایران را مبتنی به سنت و سیره نبوی ارائه داده و گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا را مبتنی بر قدرت نرم‌افزاری شکل دهد. در تمامی تحول‌های دوران بعد از انقلاب اسلامی و با وجود اختلاف‌نظرهایی که بر سر اداره حاکمیت بین دولت‌های حاکم بر ایران اسلامی وجود نداشت، در عمل دال مرکزی گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی یعنی ولایت فقیه همچنان نقطه کانونی این گفتمان را تحکیم بخشید و با راهبری انقلاب اسلامی در دفاع از ارزش‌های دینی و اسلامی، واگرایی درون گفتمانی بین دولت‌ها را به سمت همگرایی هدایت کرد و با مفصل‌بندی سایر مفاهیم و نشانه‌ها در یک زنجیره هم‌ارزی مستحکم

اساس گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا را مبتنی بر قدرت نرم‌افزاری در دفاع از امنیت ملی کشور و جامعه اسلامی ساماندهی کرده است.

با این توصیف می‌توان گفت رمز بقای امنیت، در گفتمان امنیتی نظام ج.ا.ا، کلام مسلط نظام ج.ا.ا یعنی ایدئولوژیک بودن آن مبتنی بر نظریه ولایت‌فقیه است. نظام ج.ا.ا با چنین قدرتی موفق شد تا کلام‌های حاشیه‌ای را با گفتمان اسلام سیاسی فقاهتی و نظریه ولایت‌فقیه سایر دال‌ها از جمله جامعه مدنی، دموکراسی، مردم‌سالاری دینی، کثرت‌گرایی، عدالت، آزادی، استقلال را در کنار خود به‌عنوان قدرت نظام ج.ا.ا برای تأمین امنیت نظام و مردم به کار گیرد. اگر اختلافی در این زمینه وجود داشته به‌طور طبیعی زائیده هر انقلاب و نظام نوپایی بوده که به علت دارا بودن طبقات مختلف اجتماعی و حتی قومی، نژادی و زبانی این مهم از فرازوفرودهای مختلفی برخوردار بوده است. مهم امنیت نظام ج.ا.ا در این گفتمان بوده که در طول نزدیک به چهار دهه از انقلاب اسلامی با راهبری ولایت‌فقیه حفظ شده است.

منابع

- آذر، ادوارد؛ جونک، این مون (1379)، مشروعیت، یکپارچگی و توان سیاست سازی، «امنیت ملی در جهان سوم» ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- اسپریگنز، توماس (1375)، فهم نظریه‌های سیاسی، تهران: نشر نی.
- افتخاری، اصغر (1378)، چهره متغیر امنیت داخلی، تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 20.
- افتخاری، اصغر (1388)، معنا و مقام امنیت نرم در گفتمان اسلامی در کتاب امنیت نرم در ج.ا.ا، تهران: دانشکده امام هادی (ع).
- افتخاری، اصغر (1383)، نظریه‌های اسلامی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره 30، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (1378)، مشکل امنیت ملی در جهان سوم «امنیت ملی در جهان سوم» ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (1391)، «مردم، دولت‌ها، هراس»، ترجمه پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- بوتول، گاستن (1364)، تبعی در ستیره شناسی، ترجمه حسن چویان، تهران: چاپخش.
- تافلر، الوین (1370)، تغییر ماهیت قدرت، ترجمه شاهرخ بهار و حسن نورانی، تهران: نشر کتاب.
- حسینی زاده، محمد (1389)، اسلام سیاسی در ایران، قم: دانشگاه مفید.
- حقیقت، سید صادق (1393)، روش تحقیق در علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید.
- دارابی، علی (1388)، جریان‌های سیاسی در ایران، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ساوه درودی، مصطفی (1386)، مدیریت بحران‌های امنیتی، تهران: دانشکده فارابی.
- سروش، عبدالکریم (1376)، قبض و بسط تئوریک شریعت، تهران: موسسه صراط.
- غلامرضا کاشی، محمدجواد (1379)، جادوی گفتار، تهران: آینده‌پژوهان.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1378)، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مک کین لای، آردی؛ لیتل، آر (1380)، امنیت جهانی؛ رویکردها و نظریه‌ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: نشر پژوهشگاه مطالعات راهبردی.
- مهاجرنیا، علی (1388)، اندیشه متفکران اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- Zhouying, Jin (2001), Soft technology: the Essential of innovation Chines Academy of Social Scieence.
- Sharp, Gene, (2005), The Methods of Nonviolent Action Extending Horizons Books
- D. Joblonsky (2004), why is Strategy Difficalt us Army war callage Newyork P,76, soft power

- Nye, Joseph(2004), soft power Public Affairs, us Army war callage Newyork P,98,soft power
- Fuller,graham(2003), the futher of political Islamic,london.palgrave macmiilam.
- . Lodgard, s (1987), Overcoming Threats to Europe: A New Deal for Confiidens & Security, Oxford.
- Qtuathail Gearoid(2000), Theorizing Practical Geopolitical Reasoning:The Case of United States Response to War in Bosnia. political Geograpy ,21, No
- Sjostedt Roxanna(2007), The Dicursive Origins of a Docttine Securitization Under Harry S,trumman and Gorge W, Bush, Forehgn Policy Analisyis,3

